

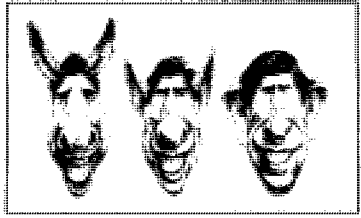


جاہگاہ نماد در کاریکاتور

The Position of Symbols in Caricature

احمد حفیضی لالچہ

فہمستان زمان فارسی واژه نماد را معنی
 و در این جا نماد symbols در زبان فارسی
 از کلمات دیگر جو معنی این نماد را نماد
 به معنی یک ماکتوب نماد را در زبان
 زمان نویسنده و نویسنده از نماد در
 نویسندگی و نویسندگی از نماد در
 کار بر این نماد نماد نماد نماد
 و نماد این نماد
 کاریکاتور نماد نماد نماد نماد
 نماد نماد نماد نماد نماد نماد
 نماد نماد نماد نماد نماد نماد
 نماد نماد نماد نماد نماد نماد
 نماد نماد نماد نماد نماد نماد
 نماد نماد نماد نماد نماد نماد
 نماد نماد نماد نماد نماد نماد
 نماد نماد نماد نماد نماد نماد
 نماد نماد نماد نماد نماد نماد





نشانه عشق، سرخ نشانه التهاب و سبز نشانه رویش است.

برخی از حرکات و سکنتان انسان نیز مفاهیمی نمادین یافته‌اند. مثلاً مشت نشانه خشم، به سینه زدن نشانه عزاداری، افراشتن دست‌ها نشانه تسلیم، گره کردن ابروان نشانه اکراه و آویزان شدن لبها نشانه ناخرسندی است.

اهمیت مفهوم نماد از آن جهت است که بسیاری از طراحان و کاریکاتوریست‌ها بدون آگاهی از مفاهیم بنیادین مربوط به نمادها، دست به استفاده از آن‌ها می‌زنند و چه بسا نمادها را خارج از محدوده معنایی‌شان به کار می‌برند. نخستین پیامد این امر در واقع اختلال در پیام‌رسانی و بدتر از آن ایجاد آشوب و تشویش در تثبیت ارزش‌های مشخص شده برای هر نماد است.

کاریکاتوریست در نخستین تلاش خود باید نمادها را شناسایی کند. او نباید از نظر دور بدارد که کشف نمادها، که از اساسی‌ترین عناصر کاربردی در کاریکاتورند، در انتقال و تفهیم پیام‌شان، مهم-

دل شد کوره‌ای ز آتش

بریز آبی ز چشمانت به پایش!
امثال و اشعاری از این دست در ادبیات شفاهی ما فراوان است.

برای مثال:

کسی که زیاد زیباست، ماه است.

کسی که زیاد کودن است، دراز گوش است.

کسی که زیاد شجاع است، شیر است.

کسی که زیاد کلک است، رویاه است.

نمادها همچنین برای اشاره، به مفاهیم کلی مانند

«برد و باخت»، «خوشبختی و بدبختی»، «شانس

و اقبال» و «مرگ و زندگی» به کار رفته‌اند. «سمبل»

در واقع نشانه‌ای است که تداعی کننده پدیده‌ای

مستقل مرتبط با خود است. به عنوان مثال، ترازو

نشانه عدالت، تاج نشانه سلطنت، کبوتر نشانه

صلح و پرواز نشانه رهایی است.

در مورد رنگها نیز شاهدیم که هر رنگی تداعی-

کننده مفاهیمی سمبلیک است. مثلاً رنگ سیاه

نشانه سوگواری، سفید نشانه پاکی و طهارت، آبی

ثابت و مشخص باقی بماند.

واژه «symbol» از یک ریشه یونانی باستان به معنای «به هم پیوستن» گرفته شده است. این ریشه که در تمام زبان‌های اروپایی دیده می‌شود، مفهوم وصل و پیوند را در ذهن تداعی می‌کند. این کلمه در یونان باستان به معنای نشانه، مظهر، نمود، نما و علامت به کار می‌رفته است. «سمبل» در واقع نشانه‌ای است که القاکننده یک پدیده از پیش مشخص شده است یعنی پدیده‌های نامشخص و نامعلوم نمی‌توانند نماد بپذیرند. روال به این ترتیب است که در ابتدا پدیده‌ای خود را به ما می‌نماید و بر اثر این نمایش ما آن را مورد شناسایی قرار می‌دهیم و سپس برای آن، نماد به خصوصی را بر می‌گزینیم. برای مثال، اگر یک فرهنگ تمثیلات یا تشبیهات را ورق بزنید، روبه‌روی عبارت «کوره آتش» واژه دل را خواهید دید. کسی که به عشقی دچار نشده، مفهوم «کوره آتش» را درک نمی‌کند. گفتیم که پدیده‌های نامعلوم و نامشخص نمی‌توانند نماد بپذیرند. این پدیده‌ها معمولاً پس از شناسایی، نمادپذیر می‌شوند؛ یعنی نماد به آنها تعلق می‌گیرد.

مفهوم عبارت پیش‌گفته این است که یک پدیده، به سبب تکرار شدن، با صراحت کامل خود را به ما می‌نماید. در این حالت، یک تمایل ناخودآگاه ما را بر آن می‌دارد که آن را با بارزترین صفتی که در خود دارد، مورد خطاب قرار دهیم. در یکی از نمایش‌نامه‌های شکسپیر، رومئو به ژولیت می‌گوید: (my moon) ای ماه من! در این عبارت، ژولیت، دیگر یک انسان نیست، بلکه یک ماه است (البته برای رومئو). آدم دل باخته نیز چنین است، سوز فراق، دلش را می‌سوزاند و تازه اینجاست که مفهوم «کوره آتش» را به‌طور حسی در می‌یابد. شاعر می‌گوید:

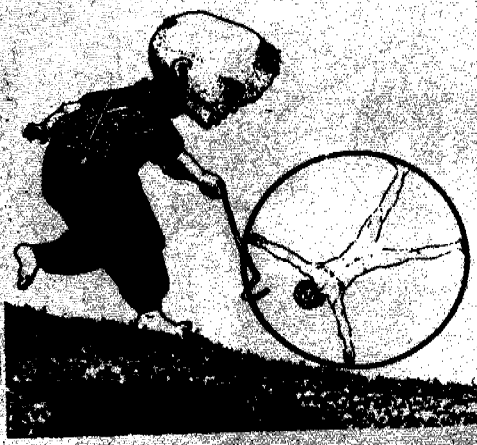


ترین نقش را بازی می‌کند.

چیزی بر مفاهیم و معانی هر نماد مستلزم پژوهش گسترده در فرهنگ و فولکلور هر ملت است. نافه نماد است که چون خورشید به پیشانی انسان‌نمایی نیز از طوایف اولیه این قشر است. استخوان و استخوانها کنار و بودیضاد را به صورتی به بنا می‌نمایند که روند تکوین و تکامل گویی اثر را به بساطی در می‌نمایند. این در نهایت همان گونه که گفتیم، به کارهای نور و صوت گسی می‌کند تا بر مفهوم پیامش چیزی و فیصله بیرون‌گیری پیدا کند و این همان چیزی است که از طرح این گفته‌ها انتظار داریم.

بنابراین، نماد عبارت است از یک اصطلاح، یک نام، یک رنگ یا حتی یک تصویر که نماینده چیز مانوس دیگری باشد. هر نماد، علاوه بر معنای آشکار و معمول خود، معانی گوناگونی نیز در بر دارد که گنجانده را به سوی درک کامل یک مفهوم مستقل سوق می‌دهد.

در میان انواع نمادهای رایج، نمادهای جانوری و گرافیکی کاربرد بیشتری دارند. البته نمادهای گیاهی نیز کاربردهای خاصی خود را دارند. مثلا برگ زیتون که نشانه صلح است یا پتنگ که نشانه وابستگی است و غیره. البته در اینجا اگر بر نمادهای جانوری تأکید می‌کنیم، بدین خاطر است که تعداد آن‌ها بیشتر و رواج آن‌ها شایع‌تر است. نمادها از کهن‌سال‌ترین ایام زندگی انسان، مورد توجه بوده‌اند. در واقع، نیاز انسان به نمادهاست



S. MEDZIONS

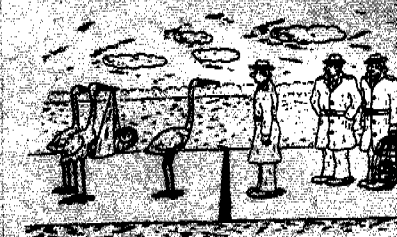
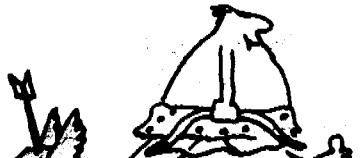
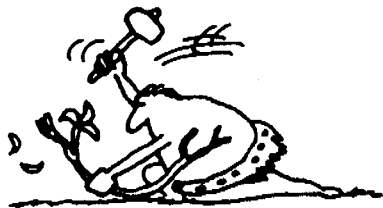
که آن‌ها را به مرحله ظهور رسانده است. به گفته کارل گوستاو یونگ، روانکاو بزرگ سوئیس، انسان موجود نمادساز است. انسان همواره بر آن بوده که از حالات و موقعیت‌های خود، نشانه‌های متنوعی را تدارک ببیند تا در شرایط مورد نظر از آن‌ها برای ابراز نیات خود سود جوید.

بنابراین، توسل به نماد، تاریخی به قدمت تاریخ انسان دارد. پوشیدن پوستین خرس در روزگار آن کهن تنها برای جلوگیری از نفوذ سرما نبود، بلکه انسان اولیه در واقع می‌خواست با چنین کاری خود را از نظر قدرت به خرس نزدیک سازد و از این رهگذر مشابهتی با آن به دست آورد.

واکنش‌ها شاخ‌های گاو را می‌بریدند و بر کلاه خود-های خود تمبیه می‌کردند. شاخ در نزد آنان مظهر توانایی و قدرتی فراتر از نیروی انسانی بود. هم-چنین اگر در نام‌های افراد در ملل گوناگون توجه کنیم به کلماتی بر می‌خوریم که تأکید کننده نظرات یاد شده است.

«اسد» نام رئیس جمهور سوریه، معنای شیر می‌دهد و «فهد» نام شاهزاده عربستان به معنای پتنگ است. نام رؤسای قبایل آفریقای نام جانوران پر قدرتی مانند کرگدن و فیل است.

نمادها ناشی از احساس نیاز ما به قدرت و دورنگاه داشتن خود از موضع ضعف است. بی‌شک، توسل جستن به نمادهای قدرت می‌تواند ما را از نظر





روسی توانسته سازد.
 نمادها از اشیای گوناگون رشد و تکوین می‌یابند
 و با استفاده از شیوه‌های بسیار متنوع دیگر، در
 دانشنامه‌های جامع‌ترین می‌گردند. تربیت، آموزش،
 فرهنگ و فولکلور از جمله عواملی است که در
 توسعه چنین نمادهای بطلان می‌ورزند و آن را به
 شکل تثبیت‌شده‌ای در می‌آورند. گوناگون از همان
 نخستین روزهای انسان از مسوخ توابعین‌هایی
 که از برخی مریبان خود دریافت می‌دانند. چنین
 می‌آموزند که علاوه بر معانی دادن است. آن‌ها
 همچنین در می‌یابند که گاه علاوه بر نمایش، شاهی
 کننده مفهوم نمادین نیز است. به‌همین جهت
 به شریح در می‌یابند که هر یک از نمادها چنانچه
 لاجب است نماد کنی است. چنین نمادها اگر با
 کارمکتوری روی می‌شوند که در آن ایدئولوژی
 لاجب است تکلیف شده باشد. مفهوم آن را به سادگی
 در می‌یابند و هر چند این برخی در چند معنی آن
 به خود راه نمی‌دهند.

در کشورهای پیشرفته، فرهنگها و دایره‌های
 های بسیار گوناگون در میان نمادها و تاریخچه
 آن‌ها تکلیف شده است که پیوستگی آن می‌تواند
 با مراجعه به آن‌ها، درباره هر نماد به خصوص
 اطلاعات گسترده‌ای را به دست آورد.
 باید گفت ضرورت مطالعه و پژوهش پیرامون نماد
 و نمادشناسی تنها به طراحان و کارمکتوری‌ها
 محدود نمی‌شود بلکه تمامی اهل هنرها از نقاشی
 گرفته تا معناسی و از تئاتر گرفته تا سینما همگی
 بدان نیاز دارند.
 علاوه بر آن، در علوم نظامی، راهبردی و زندگی
 و حتی معماری، ما تاچار به آموزش نمادها هستیم.
 گذشته و اهمیت این است که تمام علوم برای خود
 بعضی‌هایی موسوم به نمادشناسی دارند که
 نمادها وابسته به آن رشته‌های علمی را توضیح
 می‌دهند.
 گوناگون‌ها، اهمیت نماد در حال حاضر بر کسی
 پوشیده نیست و اینها جهان کنجینه‌ای از نمادها
 رایج و مرسوم در میان مردم است. همچنین تمام
 تابلوهای دنیا آینه از نمادها نور و زندگی است
 که با طبیعت و سرشت انسان پیوند بخورده است.
 به علاوه، تمامی عرفات و سلفات انسان‌ها در شمار
 از نمادها و نشانه‌های کوچک و بزرگ است. اصلاً
 زبان خود بسجلی است. هر چه‌ای که ما می‌بینیم
 حتی اگر به ظاهر نامرین نباشند، در باطن چنین
 هستند. یعنی در واقع، گفته خود نماد است.

۱۰

